



ارگان رسمی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران
دوره جدید - شماره هفتاد و نهم - آبان ماه ۹۹
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران
مدیر مسئول: سجاد اسماعیلی / سردبیر: عرفان غلامعلی زاده

فَسَق

اللاغ یا فیل؟ مسئله این نیست!



در این شماره می خوانید:

کدام عقلانیت؟

صفحه 4

سفیرانی از دیار شام...

صفحه 3

راه خروج؛ جریبان سوم!

صفحه 2

فلسفه

۱ **الاغ یا فیل؟ مسئله این نیست!**

۲ **راه خروج؛ جریان سوم**

۳ **سفیرانی از دیار شام**

شهادت تازه تفحص شده خان طومان پس از چهار سال و نیم به وطن بازگشتند.

۴ **کدام عقلانیت؟**

نگاهی کمی فلسفی به وقایع این روزهای کشور

پوسترپویش کتابخوانی ۱۳ آبان **صفحه آخر**

«نشریه فلق»

ارگان رسمی جامعه اسلامی
دانشجویان دانشگاه تهران

دوره جدید / شماره هفتادونهم /
آبان ماه ۹۹

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه تهران

مدیر مسئول:

سجاد اسماعیلی

سردبیر:

عرفان غلامعلی زاده

هیئت تحریریه:

محمدامین ساغندی

محمد مهدی حسنی

هادی کیان

گرافیک و صفحه آرایی:

عرفان غلامعلی زاده



@jad_ut



@jad.ut

الاغ یا فیل؟

مسئله این نیست!

در آبان ماه سال ۹۹، و اواخر اکتبر سال ۲۰۲۰ هستیم و تقریباً همه داریم با موجودی به نام کرونا دست و پنجه نرم میکنیم اما حادثه ای در راه است؛ انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا! جایی که فیل ها و الاغ ها به مصاف هم می روند

(قطعاً می دانید که فیل نماد جمهوری خواهان و الاغ نماد دموکرات هاست!!!)

البته واقعاً شاید امسال دیگر این دو عنوان فقط به عنوان نماد نباشند و اگر کمی به مناظرات اخیر توجه کرده باشید شاید ردپای برخی خصوصیات این دو نماد را در دو فرد مناظره کننده دیده باشید. زیاد درگیر این دعوای به ظاهر سیاسی و به واقع جنگلی نمی شویم، چرا که هر دو این ها در جنگل هستند و قانون، قانون جنگل است، پس نه عهدی نه قولی و نه حتی (ببخشید البته!) مذاکره ای وجود ندارد و فقط یک قانون برقرار است: این که موجود قوی تر می ماند و موجود ضعیف تر نابود می شود.

پس حتی اگر شما بهترین آدم در روی زمین باشید در مواجهه با آن ها باید طبق قانون جنگل رفتار کنید یعنی به زبان ساده تر اگر قوی نباشید فاتحه تان خوانده است! و حتی فرقی نمی کند فیل باشد یا الاغ یا هر حیوان دیگر، جنگل، جنگل است.

اما شاید بگویید که اگر اینگونه بود تا الان فقط شیر ها و پلنگ ها و چند موجود دیگر در جنگل ها باقی مانده بودند در صورتی که اینطور نیست؟! در جنگل هم می شود زندگی مسالمت آمیز داشت. یا به زبان دیگر بگویم: این همه کشور در جهان

در صلح و آرامش هستند، چرا فقط ما با بقیه مشکل داریم و دشمن برای خودمان تراشیده ایم؟ زیاد فلسفه نمی بافم خلاصه و مختصر می گویم: بله ما هم می توانیم مثل خیلی از کشور ها بشویم و کاری به کسی نداشته باشیم مثل کبک سرمان را زیر برف بکنیم اما در واقع جهان کنونی با بعضی انسان ها مثل جنگل هم نیست؛

«اولئک کالانعام بل هم اضل»، چرا که خصلت طمع و سیری ناپذیری در انسان حد نهایی ندارد، در واقع نظام حاکم بر جهان، نظام سلطه است و باید تحت این نظام باشید، یا سلطه گر باشید یا سلطه پذیر. اگر بخواهید خارج از این نظام باشید دیگر آن جاست که کلاهتان با سلطه گران در هم می رود و دو راه بیشتر ندارید یا مبارزه می کنید یا تسلیم می شوید و تحت سلطه می روید!

در نتیجه فارغ از این که در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا چه اتفاقی می افتد و چه کسی روی کار می آید اگر واقعاً می خواهیم در این مبارزه پیروز بشویم راهش قوی شدن است در همه زمینه ها. راهش این نیست که منتظر دیگران بمانیم در حالی که عده ای بلکه ملتی منتظر ما هستند. اگر هم که از همین الان تصمیم به تسلیم شدن گرفته اید، باشد، مشکلی نیست اما بدانید تسلیم شدن نتیجه ای جز مرگ یا ذلت نخواهد داشت؛ این را من نمی گویم بلکه تاریخ می گوید.

« من آنچه شرط عقل است با تو میگویم

خواه پند گیر خواه ملال! »

« محمدامین ساغندی

راه خروج؛ جریان سوم!



انقلاب، به وضوح ناکارآمدی این دو قطب سیاسی برای مردم و طیف وسیعی از نخبگان روشن گشته است و چالشی جدید در فضای سیاسی کشور به وجود آورده است. تصور مردم این است که علی‌رغم دست به دست شدن مدیریت کشور بین این دو جریان و وعده‌های رنگارنگی که در هر انتخابات به روز می‌شوند، هیچکدام از این دو نتوانسته‌اند انتظارات آنها را برآورده کرده و هریک معضلات جدیدی برای کشور به وجود آورده‌اند. از باب مثال یک جریان با شعار آزادی به قدرت می‌رسد و زمینه ساز ولنگاری فرهنگی می‌شود و در دولتی دیگر با شعار اعتدال رای جمع می‌کند و آشفته‌گی اقتصادی به وجود می‌آورد. جریانی هم که با شعار عدالتخواهی و احیای ارزش‌های انقلابی محبوب می‌شود، پس از هشت سال کارنامه‌ای در حد و اندازه شعارهای خود ندارد. تکرار این تجربه‌ها به مرور این پندار را ایجاد می‌کند که گویا مشکل ریشه در جایی عمیق‌تر دارد...

با نگاهی گذرا به تاریخ چهل ساله جمهوری اسلامی به ویژه در بازه پس از جنگ تحمیلی مشخص می‌شود که دو جریان عمده سیاسی در کشور تاثیرگذار بوده و ارکان گوناگون نظام در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و ... را در اختیار داشته‌اند. یک جریان که معمولاً با عنوان اصلاح طلب یا میانه رو شناخته می‌شود و به‌طور ویژه از اواسط دهه هفتاد مناصب گوناگون مدیریتی را در دوره‌های مختلف در اختیار داشته است و جریان دیگر که به اصولگرا شهرت دارد و القابی چون حزب‌اللهی، ولایی و غیره را نیز یدک می‌کشد، در برهه‌هایی صاحب نفوذ در بخش‌های مختلف نظام بوده است. هر دو جریان سیاسی نامبرده دارای آرا گوناگونی در زمینه‌های مختلف کشورداری بوده و هرکدام نیز در برهه‌های حساسی چون انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس شورای اسلامی وعده‌های رنگارنگی را برای جذب آراء مردم ارائه نموده‌اند. اما در آغاز دهه پنجم

ادامه دارد...

سفیرانی از دیار شام...

شهدای تازه تفحص شده خان طومان پس از چهار سال و نیم به وطن بازگشتند.



شهدای حیاتش با برکت است، مرگش با برکت است و بعد از مرگش نیز با خودش برکت می آورد. شهدا همیشه با آمدنشان فضای شهر را عوض می کنند؛ برای آخرین بار با خانواده و عزیزانشان وداع می کنند، آتش شوق را در همزمان و دلدادگانیشان شعله ور می کنند و دل های غافل را صدا می

زنند. از همان زمان دفاع مقدس که شهدا را از جبهه ها می آوردند تا بعد از آن که شهدای مفقودالاثرا را به مرور می یافتند و چشمی از چشمان منتظر را روشن می کردند و تا دهه ۹۰ که عرصه درخشندگی شهدای مدافع حرم بود.

شهدای با خودش پیام می آورد. پیامی که نیاز جامعه در آن زمان است؛ پیکر شهید چمران می گوید به یاری امام بشتابید و به جبهه ها بروید؛ پیکر شهید طهرانی مقدم می گوید با خودباوری به پیشرفت کشور کمک کنید؛ پیکرهای شهدای غواص می گوید که یادتان باشد آرمان های انقلاب چه بود و چرا ما این همه شهید دادیم؛ پیکر شهید همدانی می گوید حواستان باشد یک عده جوان در کیلومتر ها دور از وطن دارند شهید می شوند تا امنیت کشور حفظ شود؛ پیکر شهید حججی می گوید بدانید عزت در کجاست و در چیست و راه را اشتباه نروید؛ پیکر شهید قاسم سلیمانی می گوید بدانید دشمن اصلی کیست و در مقابلش یک صدا باشید؛ و پیکرهای شهدای تازه تفحص شده خان طومان از شام آمدند تسلی دل های شیفتگانی باشند که امسال نتوانستند پا در مسیر کاروان اسرا بگذارند و در مسیرشان لبیک یا حسین ع سر دهند.

ولی یک پیام در بین همه شهدا مشترک است و آن زدودن غبار غفلت از دل هاست. غفلتی که ناشی از روزمرگی و غرق شدن در امور دنیا و دور شدن از معنویات است. وظیفه ما در قبال شهدا این است که آرمان هایی که آنها برایش فدا شدند را تبیین کنیم و مسیر شهادتشان را سرمشق بگیریم و اجازه ندهیم نااهلان مسیری را که شهدا با خونشان هموار کردند را به انحراف بکشانند و ما را شرمنده شهدا سازند.

دل های بسیاری گرفته است؛ بخاطر اینکه محروم اند؛ بخاطر اینکه امسال نمی توانند پا در قدمگاه کاروان اسرا بگذارند. ولی در همین حین است که خبری می پیچد؛ گویا قرار است هشت شهید از شام بیاورند. از همان شامی که چه بسیار رنج ها به اهل بیت روا داشت.

خان طومان شهرکی در فاصله ده کیلومتری جنوب غربی حلب است که بخاطر نزدیکی به اتوبان حلب - دمشق از اهمیت استراتژیکی برخوردار است. این شهرک در پایان سال ۲۰۱۵ میلادی (دی ۱۳۹۴) که

عملیات جنوب حلب تازه آغاز شده بود، آزاد شد. جبهه النصره در فروردین ۱۳۹۵ هجری شمسی با همکاری چند گروهک دیگر به خان طومان حمله شدیدی کردند که با مقاومت نیروهای ارتش سوریه با کمک حزب الله، نیروهای فاطمیون، نیروهای مقاومت عراقی و نیروهای ویژه مستشاری ارتش ایران با دادن تلفات مجبور به عقب نشینی شدند.

شهرک خان طومان از روز پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ درحالی که ارتش سوریه به آتش بس پایبند بود مورد حمله تعداد بسیاری نیروهای تروریستی که توسط عربستان و ترکیه مجهز و مسلح شده بودند قرار گرفت و در نهایت در روز جمعه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ منجر به عقب نشینی نیروهای مقاومت از این شهرک شد. این منطقه بعد از گذشت سه سال و نیم در بهمن ۱۳۹۸ یعنی یک ماه بعد از شهادت سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی آزاد شد که این آزاد سازی خود حامل پیام هایی بود.

در این حمله تعدادی از مدافعین حرم به فیض شهادت نائل آمدند که چون ۱۳ نفر از سپاه کربلای مازندران بودند نام شهدای خان طومان با شهدای مازندران پیوند خورد. با دستور فرمانده سپاه قدس، شهید حاج قاسم سلیمانی در آبان سال ۹۷ تفحص منطقه خان طومان آغاز شد که در پی آن پیکر شهیدانی همچون شهید جواد الله کرم در این منطقه کشف شد و بعد از سال ها به کشور و اغوش خانواده بازگشت. و همچنان شهیدانی چون رحیم کابلی همچنان گمنام هستند و به بازگشت رضایت نداده اند.

عطر شهید عطر عجیبی است. عطر آن کس که به چنان معرفتی رسیده که حاضر است جان خود را در راه خدا فدا کند. و شهدای مدافع حرم تاب آن ندارند که ببینند جسارتی به حریم آل الله بشود. خدا شهید را انتخاب می کند تا مقامش را بالا ببرد و او را حجتی برای مردم قرار دهد.

کدام عقلانیت؟

محمد مهدی حسینی

نگاهی کمی فلسفی به وقایع این روزهای کشور

موجود هست ، دوست دارد مثل او بشود و خودش را شبیه او می کند یا ممکن است به خاطر ترس از او تسلیم او شود و خودش را از مصاف با او بر حذر می دارد .

حال با توجه به سه گزاره بالا اگر انسان با استفاده از عقل خود به این برسد که موجودی وجود دارد که از همه موجود های دیگر قدرتمند تر ، عظیم تر ، صاحب تمام کمالات و هم چنین همه موجودات دیگر به خاطر او موجود شده اند و در هستی خود عین نیاز هستند به او ، نسبت به او چه حسی پیدا می کند؟ آیا وقتی این گزاره را انسان متوجه می شود ، و آن را درک می کند ، دیگر ترس از سایر موجودات با تمام قدرت های ظاهری خود برای او معنی دارد؟ آیا دوست

ندارد که خود را به آن موجود برساند و مانند او شود؟ اما اگر عقلی فقط به این گزاره های محدودی برسد مانند اینکه هیچ موجود برتری با ویژگی بالا وجود ندارد و هر کس یک قدرتی دارد . در نتیجه قهرا به این نتیجه می رسد که باید از هر موجود ، قوی تر از خود ترسید و یا مثل او شد و یا تسلیم او شد .

می توان عقل به معنای اول را عقل معاد و عقل به معنای دوم را عقل معاش بریده از وحی (سکولار) نامید . شاید تمام داستان جریانات موجود در کشور ما همین باشد ، عده ای با عقل معاش خود معتقدند که نمی توان جلوی (به اصطلاح خودشان) ابر قدرت ها ایستاد ، و برای همین لازم است که ابتدا با او کنار آمد ، سپس با او صلح (بخوانید تسلیم) کرد و در مرحله ی بعد هم مثل او شد . مانند آن مسئولی که وقتی ترامپ از برجام خارج شد و تهدید به جنگ کرد ، شب تا صبح از ترس خوابش نبرد .

مشکل ما امروز عقلانیت ناقص این افراد است که خود هم به آن افتخار می کنند و نام آن را هم خیلی پرطمطراق می گویند رشنالیتی . اما این بندگان خدا خبر ندارند که خود کلمه رشنالیتی ، به معنای این است که شما اگر عقلانیت را مانند یک کل تصور کنید اگر فقط یک قسمت آن را برش بدهید و منظور از قسمت برش داده شده همان است که فقط قوانین مادی را در نظر بگیرید و هیچ چیز دیگر را لحاظ نکنید به آن رشنالیتی می گویند .

اما انقلاب اسلامی و رهبر آن را می توان نماد عقلانیت کامل دانست که با شناخت حق و اعتماد به وعده های او ، مرز های عقلانیت را گسترش داده و دستگاه محاسبه جدیدی را عرضه کرده اند که در این دستگاه شما اگر از خدا بترسی ، دیگر ترس از سایر موجودات برایت معنا ندارد (همان که امام خمینی (ره) می گفت : والله در زندگی ام از چیزی نترسیده ام) و خدا نیز ترس تو را در دل دشمنانت می اندازد .

و تمام جبهه مبارزه را می توان بین دو گفتمان عقل معاش سکولار یا عقل معاد تعریف کرد .

حتما شنیده اید که بسیاری از افراد در شرایط مختلف برای اثبات یا نفی یک مسئله از کلمه عقلانیت استفاده می کنند . مانند « عقل می گوید این کار را نباید انجام داد چون به ضرر من است » یا « عقل می گوید با فلان آدم نباید رفت و آمد کنم چون او فرد مناسبی نیست » و از این قبیل موارد . اما اگر از هر کدام از این افراد سوال کنیم که عقل چیست ، جواب های مختلفی را بشنویم ، مانند گزاره هایی از قبیل « قوه ای که به کمک آن می توانیم راه درست از غلط را تشخیص بدهیم » یا « راهی که به وسیله آن می توانیم ابزار های رسیدن به یک هدف را تبیین و بهترین آن را انتخاب کنیم » .

اما در اغلب اوقات در کنار عقلانیت واژه دیگری مطرح می شود به نام احتیاط ، که می توان معنای آن را در انتخاب راه هایی با خطر کم تر و مطمئن تر نامید . حالا مطلب دیگری که باید مطرح شود این است که آیا مفهوم عقل یک مفهوم فازی است یا تشکیکی؟ به معنای اینکه یک مفهومی است که یا یک نفر آن را ندارد یا یک نفر به طور کامل آن را داراست یا دیگر معنای آن ، این است که این عقلانیت مرتبه ای دارد و هر کس با توجه به استعداد ها و هم چنین تلاشی که هر بار به کار می بندد قسمتی از راه تکامل عقلانی را طی می کند . مشخص است که اگر نظر اول درست بود ، همه کسانی که مدعای عقلانیت دارند ، این همه دچار اختلاف و سردرگمی نمی شدند پس مشخص می شود که عقلانیت یک قوه تشکیکی است که در هر کس به میزان استعداد و تلاشی که برای رشد این قوه به کار می گیرد وجود دارد .

حال مطلب بعدی که به وجود می آید این است که رابطه بین مفهومی بین احتیاط و عقلانیت چیست و آیا با افزایش عقلانیت ، احتیاط نیز بیشتر می شود؟ و اگر احتیاط آن قدر زیاد شود که به مفهومی به نام ترس برسیم ، آیا این گزاره درست است؟

شاید این گزاره درست باشد که انسان از موجود عظیم تر از خودش واهمه دارد ، چه آن موجود یک انسان باشد مثل خودش ، یا یک حیوان خطرناک باشد مثل حیوانات درنده یا یک حالت و شرایط خاصی باشد مثل یک دریای طوفانی .

گزاره دیگری که باید به بالا اضافه کنیم این است که اگر انسان بین دو امر واهمه دار گیر کند ، اگر از یک موجود بیشتر بترسد طبیعتا نسبت به موجود دیگر احساس ترس کمتری می کند . کما اینکه گفته ای هست که می گویند انسان در جهنم از ترس بعضی از اژدرمار ها به افعی ها پناه می برد .

و در انتها باید گزاره سوم را هم این گونه اضافه کرد که اگر انسان موجودی را برتر از خود پیدا کند ، یا به خاطر ویژگی هایی که او آن را کمال می داند و آن ویژگی ها در آن

جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران
به مناسبت روز ۱۳ آبان برگزار می کند:



جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه تهران

پروپوژن کتاب بخوانی کتاب

تاریخ مستطاب آمریکا

برای شرکت در این پویش، پس از مطالعه کتاب،
برداشت، خلاصه و یا احساس خود را در ۴۰ تا ۵۰ کلمه برای ما ارسال
کنید و در صفحه خود با هشتگ **#بلوک_سلطه** منتشر نمایید.

حتما همراه متن نام و نام خانوادگی، رشته تحصیلی، سال ورودی و شماره تماس خود را ضمیمه کنید.

۱) ارسال به اینستاگرام ما
[@jad.ut](https://www.instagram.com/jad.ut)

۲) ارسال به ایمیل ما
info.jadut@gmail.com

۳) ارسال به شماره ما
۰۹۱۹۴۹۲۷۳۸۶

راه های ارسال متن:

به متن های برتر جوایز ارزنده ای اعطا خواهد شد و متن های برگزیده در نشریه های ما منتشر خواهد گردید.



تا پایان آبان ماه

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید:
جامعه اسلامی دانشجویان،
برای اطلاع از برنامه های دیگر



@jad_ut



@JAD_ut



@jad.ut



ارسال رایگان کتاب با کد تخفیف
"jadtehran"
در سایت ناشر کتاب
nashreshahidkazemi.ir



تهیه نسخه الکترونیکی
کتاب از اپلیکیشن طاقچه
taaghche.com

برای تهیه کتاب می توانید از راه های روبرو اقدام نمایید: